

در دعای مأثور دخل و تصرف نکنید!

معنای دعای مأثور و غیر مأثور ...

**معنای دعای مأثور و غیر مأثور**

من در ابتدای بحث، مأثور و غیرمأثور را معنا کنم و بعد وارد مطالب مربوط به دعاهای مأثور خواهم شد. دعای مأثور یعنی دعایی که از معصومین (علیهم السلام) نقل شده است. **#171؛ أئثر الحدیث** یعنی نقل کردن حدیث و روایت است؛ **#171؛ أئثر** یعنی نقل کرد. دعای مأثور یعنی دعایی که از معصومین (علیهم السلام) نقل شده است و دعای غیرمأثور هم یعنی دعایی که خودمان می‌کنیم که مضمون و قالب اینها، ربطی به دعاهای مأثور یا احادیث معصومین (علیهم السلام) ندارد.

در باب مسأله دعای مأثور من باید به یک نکته مهم در ابتدای بحث اشاره کنم که چاره‌ای هم ندارم و این را برای اهل فن می‌گویم. آن نکته این است که در باب **#171؛ نقل**، مسأله **#171؛ سند** مطرح است و ممکن است اسناد بعضی از این منقولات تمام نباشد. دعای مأثور هم مثل بقیه مستحبات، از ائمه نقل شده است. مثلاً اینکه می‌فرمایند که در فلان مکان آن نماز را بخواند و در فلان زمان این دعا را بخواند، همه این‌ها نقل‌هایی است که از حضرات معصومین (علیهم السلام) به ما رسیده است. من این نکات را می‌گویم تا محل بحثم را کاملاً روشن کنم.

احادیثی که درباره اعمال خاص بوده ولی سند ضعیف دارند

ما در علم اصول بحثی داریم در ارتباط با روایاتی که در باب استحباب یک عمل، همراه با ذکر ثواب برای آن، از معصومین نقل شده است که اگر ما بعضی از آن روایات را از نظر **#171؛ سند** تمام ندانیم؛ تکلیف چیست و چه کار باید کرد؟ آیا می‌شود این اعمال را به استناد این احادیث که از نظر سند تمام نیستند، مستحب دانست؟ آیا به این احادیث می‌توان عمل کرد؟ آیا اگر به مفاد آنها عمل کردیم، ثواب و اجری که در روایت ذکر شده است را خواهیم بُرد؟

اخبار **#171؛ مَنْ بَلَغَ**

در یک دسته از روایات ما آمده است که اگر انسان عمل خاصی که از معصومین رسیده است را انجام دهد، خداوند همان ثوابی را که در روایت آمده است به او می‌دهد، اگر چه این نقل صحیح نباشد. حالا من دو، سه روایت را در این رابطه می‌خوانم. روایتی از امام صادق (صلوات الله علیه) است که حضرت فرمودند: **#171؛ مَنْ بَلَغَهُ عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و آله و سلم) شَيْءٌ مِنَ الثَّوَابِ** اگر به کسی خبر برسد که عملی را انجام بده که آن عمل ثواب دارد، **#171؛ فَفَعَلَ ذَلِكَ طَلَبَ قَوْلَ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و آله و سلم)** او نیز آن کار را برای اینکه آن ثواب نصیبش شود، انجام دهد، **#171؛ كَانَهُ ذَلِكَ الثَّوَابِ** آن ثواب را به او می‌دهند، **#171؛ وَ إِنْ كَانَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه و آله و سلم) لَمْ يَقُلْهُ** اگر چه سندش هم تمام نباشد.

یک روایت دیگر هم از امام صادق (صلوات الله علیه) داریم که فرمودند: **#171؛ مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ مِنَ اللَّهِ عَلَى عَمَلٍ فَعَمَلَ ذَلِكَ الْعَمَلَ التَّمَّاسَ ذَلِكَ الثَّوَابِ** اگر به کسی خبر ثوابی از ناحیه خداوند نسبت به فعل و عملی، برسد و او این کار را انجام دهد برای اینکه به آن ثواب برسد، **#171؛ أَوْتِيَهُ** ثواب را به او می‌دهند؛ **#171؛ وَ إِنْ لَمْ يَكُنِ الْحَدِيثُ كَمَا بَلَغَهُ** اگر چه حدیث از نظر سند تمام نباشد. یا روایت دیگری داریم که **#171؛ مَنْ سَمِعَ شَيْئًا مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ فَصَتَّعَهُ كَانَهُ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى مَا بَلَغَهُ** که همان مضمون روایات قبلی را دارد. من این‌ها را به عنوان تذکر عرض کردم که در روایات ما این مسائل مطرح است و جای این بحث‌ها در مدرسه است که در اصطلاحات طلبگی، از آن به **#171؛ اخبار مَنْ بَلَغَ** یا **#171؛ تسامح در ادله سنن** تعبیر می‌کنند.

عملی که مستحب نیست ولی ثواب دارد

علمای اصول در این رابطه دو نظر دارند؛ یک دسته از این روایات این‌طور استفاده می‌کنند که این **#171؛ عمل** جزء مستحبات محسوب می‌شود و یک دسته هستند که می‌گویند این عمل، مستحب نمی‌شود ولی ثواب آن را به عامل می‌دهند. البته بنده از آن‌هایی هستم که می‌گویم این عمل به واسطه روایتی که سندش تمام نیست، مستحب نمی‌شود ولی ثوابش را به او می‌دهند. اینکه روایتی آمده و در آن دعایی یا عملی مطرح شده است که اگر این کار را انجام دهی، ثواب می‌بری، این اثر را دارد که اگر آن کار را بکنی،

ثواب را خواهی بُرد. چه بسا هر دو دسته آقایان، این مطلب را بپذیرند که ثواب را به عامل این روایت، می‌دهند. **إنما الکلام؛ بحث در این است که آن فرد می‌تواند آن عمل را به عنوان عمل مستحب به جا آورد یا نه؟ حرف در اینجا این است که ما می‌گوییم: رجائاً انجام دهد؛ آن‌هایی که می‌گویند عمل، مستحب می‌شود، می‌گویند: به عنوان استحباب هم می‌شود عمل را انجام داد. ولی در این شبهه‌ای نیست که ثواب را، در هر دو صورت به او می‌دهند.**

ما بحثمان راجع به دعاهایی است که از معصومین برای ما نقل شده که شخص این دعا را بخواند و ثوابی هم بر آن مترتب شده است. تا اینجا اتفاق نظر است که آن ثواب را به او می‌دهند؛ می‌خواهد سندش تمام باشد، یا سندش تمام نباشد. این مورد اتفاق است. این تا اینجا من چون گام به گام هم پیش بروم. بحث ما راجع به دعا بود.

«#دعا» حتی اگر سندش ضعیف باشد «#دعا» است

حالا اینجا من می‌خواستم نکته‌ای را عرض کنم که مرتبط با بحث دعا است. اینکه ما در باب «#دعا» احتیاجی نداریم که سند روایت را درست کنیم. یعنی همین که دعایی به ما رسید، بدون توجه به سند، می‌توانیم آن را بخوانیم و به وسیله آن خدا را صدا بزنیم. چرا؟ چون آنچه که نقل شده است «#دعا» است. من هم همین «#مضامین دعایی» را دارم تکرار می‌کنم. از طرفی هم آن همه روایات داشتیم که «#دعا» کاربرد دارد و هیچ کدام از آن روایات تأثیر و کاربرد دعا را منوط به مآثور بودن و یا داشتن سند صحیح نکرده بود. پس چه اشکالی دارد که ما دعایی را که از معصومین رسیده است را بدون توجه به سند بخوانیم؟ روایاتی که در باب دعا بود همه این دعاها را نیز در بر می‌گیرد. چه‌طور است که دعای بنده را شامل می‌شود، ولی دعایی که از آن‌ها نقل شده و در سندش شبهه وجود دارد را نمی‌گیرد؟ این نکته‌ای است خصوصاً اهل علم دقت کنند!

بعضی‌ها یک سری احتمالاتی می‌دهند و در مسأله شبهه وارد می‌کنند که آقا اصلاً معلوم نیست سند این دعا تمام باشد! معلوم نیست این متن دعا هست یا نیست؟ می‌گوییم: بله، سندش تمام نیست اما ما اصلاً به سند کاری نداریم. ما می‌خواهیم «#دعا» کنیم. آیا این اشکال دارد؟ ما مضمون این دعا را به معصوم استناد نمی‌دهیم. «#دعا» می‌شود «#دعای خودم». ما این همه روایت خواندیم که دعای غیرمآثور اثر دارد؛ پس دعا بُرد دارد. حالا می‌خواهد سندش درست باشد یا نباشد. «#متن» را نگاه کن! اگر «#دعا» است به سندش کاری نداشته باش! من این را گفتم برای آن‌هایی که اهلش هستند؛ مسأله یک وقت اشتباه نشود! این‌هایی را که بنده عرض می‌کنم، به حسب ظاهر، روی موازین است و هم‌ااش حساب شده است.

ثواب و تأثیر قطعی است گرچه سندش قطعی نباشد

لذا ما وقتی وارد دعاهای مآثور می‌شویم مرادمان دعاهایی است که از معصومین برای ما نقل شده است و مضمون آن‌ها هم دعا است. ما راجع به این مطلب داریم بحث می‌کنیم. دعاهایی که از آن‌ها نقل شده است که اگر سند تمام بود چه بهتر، و اگر تمام هم نبود ولی متن و مضمون دعا داشت، مورد بحث ما است. غیر از این نوع دعا، دعاهایی است که من در ارتباط با حوائج خودم انشاء می‌کنم و از خدا درخواست می‌کنم که این غیر مآثور نامیده می‌شود و بحث آن گذشت. من خواستم این‌ها را مقدمتاً بگویم تا مطلب روشن شود. در این دعاهای مآثور، داعی ثوابش را که مسلم خواهد برد. در آن شبهه‌ای نیست و حتی فکر هم نمی‌کنم که کسی در آن تأمل کند، البته به شرط آن که این دعا را در موقع خودش بخوانی. پس این تقسیم‌بندی که من در مورد دعا کردم؛ مآثور و غیرمآثور، مرادم این بود که مآثور یعنی آن دعاهایی که در روایات ما وارد شده است و غیرمآثور یعنی آن دعاهایی که من خودم انشاء می‌کنم. مثلاً وقتی بیماری دارم، می‌گویم: خدا شفا بدهد یا در مورد گرفتاری‌ها، هر نوع گرفتاری که دارم، معنوی، مادی، روحی، جسمی، می‌گویم: خدایا رفعتش کن! غیر مآثور را خودم انشاء می‌کنم. مآثور از معصوم، انشاء شده است.

ادعیه مآثور زمان‌دار

اما دعاهای مآثور؛ این دعاهایی که از معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) نقل شده است، در یک تقسیم‌بندی به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ از یک دسته از این‌ها به «#ادعیه موقته» تعبیر می‌شود؛ دعاهای موقت. یعنی چه؟ یعنی دعاهایی که انسان باید در زمان خاص آنها را بخواند. مراجعه کنید به دعاهای روزانه، دعای روز شنبه، یک‌شنبه و... تا جمعه. یا هر روز ماه رمضان برای خودش یک دعا دارد. این‌ها همه ادعیه «#موقته» است. ماه رمضان، دعای شبانه دارد، سحرگاه دارد. این‌ها همه موقته هستند که زمان در آن‌ها مطرح است. پس دعایی که ظرف زمان در آن مطرح است را موقته می‌گوییم.

گاهی دعاهای موقته را باید بعد از یک عمل خاص انجام داد. البته من در باب شرایط و آداب دعا از نظر اثرگذاری عمل روی دعا، آنجا این مسأله را مطرح کردم که گاهی عمل روی دعا اثر می‌گذارد، ولی اگر عمل در یک ظرف خاص بود، قهراً این دعا هم در همان ظرف زمانی خاص مطرح می‌شود. گاهی هم دعاهای موقته صرفاً در ظرف زمانی خاص مطرح هستند. ما در روایات داریم که مثلاً در شب کذا، این دعا را بخوان! یعنی در ظرف خاص، این دعا را بخوان. درباره لیلی، ایام، روزهای خاص سال و... دعای خاص داریم. ما از همه این دعاها به دعای موقته، یعنی زمان‌دار تعبیر می‌کنیم. دعاهای مآثور موقت، یعنی دعاهایی که از ائمه نقل شده است و در ظرف زمان خاص باید خوانده شود. این‌ها یک دسته از دعاهای ما هستند. اما یک دسته دیگری از دعاهای ما هستند که در آن‌ها «#ظرف زمان» مطرح نیست، که زیاد هم هستند.

در قالب دعای مآثور نباید تصرف کرد

من یک بحث کلی و یک تقسیم‌بندی کلی کردم که دعاهای ما به‌طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند موقت و غیر موقت. اما با یک

تقسیم‌بندی دیگر که نسبت به هر دو دسته قبل هم مطرح است، دعا دو قسم است. گاهی اینطوری است که از نظر «قالب» اهمیت دارد و ما باید آن قالب و شکلی که دعا در آن وارد شده است را حفظ کنیم. نباید انسان در آن تصرف کند. یعنی به همان نحوی که نقل شده است باید خوانده شود؛ دقیقاً «همان متن». شما نباید از خودت چیزی را در آن وارد کنی، یا از آن بکاهی؛ نه زیادتی و نه نقص. اگر می‌خواهی به آن ثوابی که وعده شده است برسی، باید این قالب را حفظ کنی!

من اول اخبار من بلغ و این‌ها چیزها را گفتم برای این که بگویم اخبار من بلغ هم همین را می‌گوید. این که داشتیم «اگر فعلی را انجام دادی، آن وقت آن ثواب را به تو می‌دهند» معنایش چیست؟ یعنی این که این عمل را انجام بده؛ نه کم و نه زیاد. باید عین آن قالب را تو رعایت کنی، تا به آن ثواب برسی؛ چه از نظر ثواب و چه از نظر آثار، بین آن قالب‌ریزی آثار مترتبه بر آن که برای ما نقل شده است، رابطه مستقیم وجود دارد. یعنی آن قالب‌ریزی را باید حفظ کنی تا به آن آثار دست بیابی.

در ادعیه مأثور دست نبرید!

این مسأله را می‌گویم، چون خیلی مورد ابتلا است؛ ما می‌بینیم که بعضی در ادعیه مأثوره دست می‌برند. اینجا جای تعبد است. تعبد معنایش همین است، عبودیت معنایش همین است که همان آدابی را که گفته‌اند من باید حفظ کنم. از تفسم باید مراقبت کنم و نگذارم که در دعای معصومین دخالت کند. این‌ها بحث نفس است و هوای نفس است. اگر تعبد داری و بنده‌ای، همان‌طور که در روایت آمده است بگو؛ اگر بخواهی چیزی غیر از آنچه که وارد شده را در دعا بگنجانی، کمی شبهه نفسانیت مطرح است. لذا باید آن قالب‌ریزی‌ها حفظ دقیقاً شود.

نه یک کلمه بیش! نه یک کلمه کم!

حالا من یک روایت بخوانم که گویا دو، سه سال پیش به مناسبتی من این روایت را، البته نه این‌طور مفصل خواندم. آنجا فقط یک تذکر دادم چون فکر نمی‌کردم این بحث چندین سال طول بکشد. عبدالله ابن سنان از اصحاب امام صادق (صلوات‌الله‌علیه) و از بزرگان است، می‌گوید: «قال ابو عبدالله سَتُصَيِّبُكُمْ شُبُهَةٌ» حضرت صادق فرمود: به زودی برای شما شبهه‌هایی مطرح می‌شود، «فَتَبْتَقُونَ بِهَا عِلْمَ بُرَى وَ لَا اِمَامَ هُدًى» که دست‌رسی هم به رهبر و دانایی‌ای که شما را از شبهه بیرون بیاورد ندارید و سرگردان می‌شوید، «لَا يَتَجَوَّ مِنْهَا اِلَّا مَنْ دَعَا بِدَعَاءِ الْغَرِيقِ»، نجات پیدا نمی‌کند از این شبهه مگر کسی که دعای غریق را بخواند. یعنی به خدا مثل کسی که در یک گردابی دارد غرق می‌شود، پناه ببرد. چنین کسی باید خود را به خدا بسپارد و از او مدد بخواهد. «قُلْتُ وَ كَيْفَ دَعَاءُ الْغَرِيقِ؟» از حضرت سؤال کردم که دعای غریق چگونه است؟ «قال: فيقول» حضرت به من فرمود: این‌طور بگو: «قال تقول يا الله يا رحمان يا رحيم يا مقرب القلوب ثبت قلبي على دينك» حضرت به او می‌گوید، این را بگو که خدا دستت را می‌گیرد و نمی‌گذارد سرگردان شوی، راه را بر تو باز می‌کند. «فقلت» عبدالله ابن سنان در همان مجلس، می‌گوید من آنجا دعا را تکرار کردم و گفتم: «يا مقرب القلوب و الأبصار ثبت قلبي على دينك» همانجا خواستم دعا را بخوانم. «فقالت (عليه السلام)» امام صادق (عليه السلام) گفت، «إن الله عز و جل مقرب القلوب و الأبصار» در این شبهه‌ای نیست که خدا مقلب القلوب و الأبصار است، «و لكن قل كما أقول» و لی همان‌طور که گفتم تکرار کن!

اُئمه به ارتباط میان ادعیه و آثارشان آگاه‌ترند

عبدالله سنان یک «و الأبصار» از خودش به آن اضافه کرد؛ آقا فرمود «يا مقلب القلوب»، او گفت: «يا مقلب القلوب و الأبصار»؛ حضرت فرمود درست است که خدا این‌گونه است که می‌گویی، «مقلب القلوب و الأبصار» است؛ «ولكن قل كما أقول» ولی تو اینکه من می‌گویم را بگو! حفظ قالب یعنی این که همان چیزی که رسیده است را تکرار کنی. چرا که از آن‌ها این‌طور رسیده است. پس چیزی به آن اضافه نکن. آنها بهتر از من و تو رابطه بین دعا و اثر مترتبه بر دعا را می‌دانند. آنها رابطه و اثرگذاری دعا و آن حاجت در نظر گرفته من و تو را خوب می‌دانند.

ربط یک کلمه، با نتیجه دعا

حالا دقت کنید و ببینید که این دعا در چه قالبی است و چه جملاتی دارد، که در آنچه که هدف‌گیری کرده‌ای، اثرگذار است. او اینجا از خدا هدایت و رفع شبهه را طلب می‌کرد. من این را یک مقداری توضیح دهم که چرا تفاوت دارد. شاید بگویید: یک «و الأبصار» به آن اضافه کرد؛ چیز مهمی که اضافه نکرد! که حضرت می‌گوید نه، این را نگو. همان «يا مقلب القلوب» را بگو!

اینجا مسأله هدایت و رفع شبهه مطرح است آن هم وقتی که در شبهه قرار می‌گیری. وقتی در شبهه قرار گرفتی، دلت سرگردان می‌شود، نه چشمت. دل سرگردان می‌شود که به کدام سو برود، نه چشم‌هایت! چه‌طور شد که امام صادق (عليه السلام) فرمود: درست است که خدا «مقلب القلوب و الأبصار» است، هم دل‌ها و هم چشم‌ها را می‌گرداند، و آنها را این طرف، آن طرف می‌کند، اما اینجا بحث، بحث چشم نیست. اینجا بحث دل است. اینکه من می‌گویم را تو بگو تا به آنچه نیاز داری برسی.

دلیل دقت محدثین، رعایت قالب بوده است

بنابراین در دعاهای مأثور از ائمه (عليهم السلام) باید این قالب رعایت شود. مسأله قالبی را که از آن‌ها به ما رسیده است باید مراعات شود؛ حالا هر دعایی می‌خواهد باشد، موقته یا غیر موقته. این را باید حفظ کرد. یک واو پس و پیش نباید کرد، دقیقاً همانی که

رسیده است را باید خواند. لذا شما اگر نگاه کنید می‌بینید محدثین ما خیلی دقیق بودند، کتاب‌های دعا را نگاه کنید، مطلب نسخه بدل را در کنار متن اصلی می‌نویسند. برای این که می‌خواهند کاری نکنند که از آنچه که معصومین گفته‌اند تخلف شود. شما این را دیده‌اید و در ادعیه هم در خیلی از موارد ما برخورد می‌کنیم و می‌بینیم که حتی یک کلمه، نسخه بدلی دارد. این را می‌گذارند، برای این که می‌خواستند رعایت کنند که همان قالب‌ریزی‌هایی باشد که ائمه (علیهم‌السلام) کرده‌اند. همه اینها حساب شده است. - انشاءالله - جلسه بعد سراغ تقسیم‌بندی روم خواهیم رفت.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی آیه‌الله العظمی حاج آقا مجتبی تهرانی